

اخلاق مندی اهل علم و فرهنگ:

شمه‌ای از فضایل اخلاقی و عقاید آقای دکتر حسن حبیبی

باقر لاریجانی^۱، سمانه تیرگر^{۲*}

دیدگاه

چکیده

آشنایی با چهره‌های علمی و فرهنگی کشور، امری ارزشمند است. آقای دکتر حسن حبیبی (۱۳۹۱-۱۳۱۵) را می‌توان اهل دین، علم، ادب و فرهنگ دانست که در دوران جمهوری اسلامی به‌عنوان سیاستمداری متدین و متعهد، حمایت خود را از انقلاب اسلامی، نمایان نموده است. این مقاله بعضی از آثار و نیز خاطرات نقل شده از نزدیکان و اطرافیان ایشان را مرور می‌کند که خود می‌تواند گذری به زندگی‌نامه، منش و روش این شخصیت گرانقدر باشد. هم‌چنین، در اثنای بحث، خاطراتی را که نویسنده‌ی اول، شخصاً از مواجهه با ایشان داشته‌اند، مطرح کرده‌ایم و به نکات برجسته‌ی اخلاقی ایشان خصوصاً در اواخر عمر شریفشان - که عمدتاً در بستر بیماری سپری شد- پرداخته‌ایم. نیم‌نگاهی هم به عقاید و نظرات این دانشمند بزرگ در مورد علم، عالم و عالم‌پروری داشته‌ایم. امید است که این اشارات بتواند نمونه‌هایی عینی و عملی، هم برای بیماران و هم برای محققان کشور و پزشکانی که با بیماران مختلف مواجهند، ارائه دهد.

واژگان کلیدی: حسن حبیبی، اخلاق پزشکی، مفاخر علم و فرهنگ، چهره‌ی ماندگار علمی، ایران

^۱ استاد، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران

^۲ مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، پژوهشکده علوم بالینی غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

* نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی، بیمارستان شریعتی، طبقه پنجم، مرکز تحقیقات علوم غدد و متابولیسم، تلفن: ۸۸۲۲۰۰۲۷.

Email: s-tirgar@farabi.tums.ac.ir

مقدمه

به لطف حق تعالی در کشور ایران، گنجینه‌های علمی ارزنده‌ای وجود دارند و گرچه با انتقال گسترده‌ی حیاتشان از دنیای فانی به سرای ابدی، جامعه از فیض ظاهری وجودشان محروم می‌شود، لکن گنج‌های ماندگارِ بینش و عملکرد ایشان، با رنج دست‌یافتنی خواهد بود. آشنایی با مفاخر ایرانی-اسلامی، در بیان آقای دکتر حبیبی، برای دو دسته سودمند است: هم برای اهل علم و فضل، چراکه خوشه‌چینی از خرمن فضل ایشان را فراهم می‌کند، هم برای مردم عادی و غیر مآنوس با رشته‌های علمی این دانشمندان، چراکه جامعه باید با سرمایه‌های علمی و معنوی خود، آشنا باشد و از قدر و منزلت این سرمایه‌ها اطلاع داشته باشد تا با اطمینان، احساس قوت، پرمایگی و ریشه‌داری کند و در کشاکش دهر از دشواری‌ها نهراسد و بداند که پشتوانه‌ی فرهنگ، تمدن، علم، اخلاق و دین‌اش، به‌گونه‌ای است که این دشواری‌ها را با پشتکار و اعتماد به نفس به آسانی از سر خواهد گذراند (۱). در واقع، ارائه‌ی نمونه‌ی عینی از خصوصیات اخلاقی انسان‌هایی که به راه حق ایمان دارند و در آن گام می‌نهند، برای هر جامعه‌ای ضروری و موجب ترقی است و هیچ ملتی تنها با سخن گفتن و بدون داشتن این‌گونه نمونه‌های عملی، هیچ‌گاه در راه راست قرار نخواهد گرفت (۲). چنین افرادی، هستی و وجودشان خود، بانگ و صلا و نداست (۲).

مرحوم شادروان آقای دکتر حسن حبیبی، شخصیتی تأثیرگذار در تاریخ، فرهنگ و کردار رجال سیاسی کشور ماست. زندگی و آثار ایشان، نمایانگر تلاش مداوم، مشتاقانه، عالمانه، نوآورانه و مثمر ثمر بودن او در عرصه‌ی علم، فرهنگ و ادب است. هم‌چنین، او را می‌توان شخصیتی اخلاق‌مند دانست که با دو بال علم و عمل، در فضای بی‌انتهای توفیقات الهی اوج گرفت. نگارش این مختصر، تلاشی است برای ادای احترام به

عالمی ارزشمند که روش و منش او می‌تواند چراغ راهی در مسیر علم باشد. گرچه هدف ما بررسی همه‌جانبه‌ی شخصیت او نیست، بلکه مروری است گذرا بر بخشی از زندگینامه، تألیفات و نیز برخی از ویژگی‌های اخلاقی او خصوصاً در اواخر عمر شریفش. هم‌چنین، در اثنای بحث، خاطراتی را که نویسنده‌ی اول، شخصاً از ایشان دارند ذکر خواهیم کرد. با توجه به این‌که نکات سودمندی در آثار آقای دکتر حبیبی برای فعالان حوزه‌ی سلامت وجود دارد، به‌فراخور بحث، به برخی از آن‌ها نیز اشاره خواهیم کرد.

مروری بر زندگی‌نامه، آثار و تألیفات

آقای دکتر حسن ابراهیم حبیبی، در سال ۱۳۱۵ در یکی از محله‌های قدیمی تهران چشم به جهان گشود. پیش از ورود به مدرسه، خواندن و نوشتن را آموخته و قرآن آموزی را آغاز کرده بود. هم‌چنین، اشعاری از سعدی، فردوسی، مولوی و حافظ را در حافظه داشت. ایشان کلاس اول و دوم ابتدایی را در یک‌سال گذراند و در سال‌های بعد نیز علاوه بر دروس مدرسه، دروسی از حوزه‌ی علمیه را هم خواند. در ایام نوجوانی به توصیه‌ی پدر بزرگوارش، به فراگیری حرفه‌ی جوراب‌بافی مشغول شد. او از قرار گیری‌اش در محیط کسب و کار به‌عنوان عامل راهگشایی برای مراحل و مدارج بالاتر خویش نام می‌برد (۳). ایشان می‌نویسد: «هنوز نوجوان بودم که پدرم گفت: من امیدوارم و خواستار آن هستم که تو تا آن‌جا که می‌توانی درس بخوانی، اما این امر نباید مانع شود که حرفه‌ای هم یاد بگیری تا در صورت نیاز برای گذراندن زندگی خود، کاری بلد باشی» (۳). او سال ۱۳۲۹ را آغاز فعالیت‌های اجتماعی خود دانسته است که بر جهت‌گیری‌هایش در نوشته‌ها، ترجمه‌ها و سخنرانی‌ها نیز سایه گسترانید (۳). با ورود به دانشگاه، به فراگیری دو رشته‌ی حقوق و ادبیات، به‌صورت هم‌زمان اقدام کرد. در اثنای تحصیل به ترجمه، تدوین کتب و مقالات همت داشت (۱).

- تقسیم کار اجتماعی
- خدا، اسلام و بحران عصر ما
- در جست‌وجوی ریشه‌ها
- حقوق بین‌المللی عمومی
- منطق حقوقی و انفورماتیک حقوقی
- اعراب در اسراییل
- انقلاب فلسطین و یهودیان
- هنر جنگ
- خلیج فارس و ده‌ها کتاب دیگر.

برخی از مقالات ایشان قابل ذکرند از جمله:

- نظام اسلامی بر مبنای التقاط یا فقاقت
- تفکیک مصنوعی دین از سیاست
- انقطاع فرهنگی
- یادداشت‌هایی درباره‌ی هنر روش مطالعه و بررسی
- روابط بین‌الملل
- اقامتگاه در حقوق تطبیقی
- زبان و اندیشه
- تفکر علمی
- درس عشق و دفترها
- دعا
- کلیاتی درباره‌ی ویژگی‌های هنر اسلامی
- آفرینش هنری و تجربه‌ی خلاق
- راز آفرینش هنری
- هویت قومی و ملی در آیین‌های صنایع دستی
- ماهیت مفهوم حقوقی و منطق
- دانشمندان جامع‌هم‌چنان وجود دارند
- اولویت‌های تحقیقاتی
- معماری کنونی ایران
- سینمای کودک و نوجوان

وی موفق به کسب دکترای جامعه‌شناسی و حقوق از دانشگاه سوربون شد. آقای دکتر حبیبی در برخی از امور اجرایی هم نقش ایفا کردند که برخی از آن‌ها عبارتند از: وزیر فرهنگ و آموزش عالی، نخستین رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، وزیر دادگستری، معاون اول رییس جمهوری، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو شورای نگهبان، عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، عضو هیأت امنای فرهنگستان‌های جمهوری اسلامی ایران، عضو هیئت امنای کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی، عضو کمیسیون ملّی یونسکو، عضو دیوان داوری بین‌المللی، رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مدیر گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رییس بنیاد ایران‌شناسی، ریاست شورای عالی اخلاق پزشکی کشور، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای عالی جوانان و رییس شورای پژوهش‌های علمی کشور.

دامنه‌ی وسیع آثار این شخصیت ارزنده را می‌توان نشان از جامع‌نگری در علوم دانست. ایشان همواره کوشیده تا از نگرش‌های تک‌بعدی دور بوده و در شاخه‌های متعدد علم، کنکاش کند. آثار او عمدتاً شامل ترجمه، تألیف، تدوین کتب و نیز مقالات است.

برخی از کتب ایشان عبارتند از:

- دیالکتیک یا سیر جدالی و جامعه‌شناسی
- دیالکتیک و روش‌شناسی
- مبادی جامعه‌شناسی حقوقی
- جبرهای اجتماعی و آزادی یا اختیار انسانی
- افضل الجهاد
- عهدین: قرآن و علم
- دو سرچشمه اخلاق و دین
- استعمار صهیونیستی در فلسطین
- دفاع از فداییان
- اخلاق نظری و علم آداب

- مشخصات نگران‌کننده‌ی پدیده‌ی کنونی مواد مخدر در جهان
- هماهنگی دو مفهوم و دو برنامه: تحقیق و توسعه
- چند نکته درباره‌ی معرفت تاریخی
- تحلیل مفهومی قرآن به کمک کارت‌های منگنه شده و مقالات متعدد دیگر.

نخستین آشنایی نویسنده‌ی اول با جناب آقای دکتر حبیبی، حدود سی سال پیش، از طریق کتب ایشان بود. بعد از مدتی با پیشنهاد به آن مرحوم، ایشان ریاست شورای عالی اخلاق پزشکی کشور را پذیرفتند. البته این شورا به علت تغییرات مدیریتی دوام نیافت. ایشان در بزرگ‌داشتی از علامه حسن‌زاده آملی که در دانشگاه تهران برگزار شد، سخنرانی عمیق و دقیقی داشتند که شاید یکی از بهترین سخنرانی‌ها در آن جلسه بود. در آن سخنرانی، به گسست‌های فرهنگی و آفتی به نام «عدم جامع‌نگری در علوم» اشاره کردند که دامن گیر نسل جدید شده است. هم‌چنین، استاد حسن‌زاده آملی را به عنوان شخصیتی جامع ستودند و شناخت زندگی ایشان و راه و رسمی که در طریق تحصیل علم داشته‌اند، هم‌چنین، افاضاتشان در کرسی استادی و آثار گوناگونی که در زمینه‌های مختلف علمی عرضه کرده‌اند را برای همگان، اعم از فضلاء حوزوی و دانشمندان دانشگاهی، راهنمایی بسیار ارزنده دانستند که به منظور دستیابی به حقایق، بسیار سودمند است (۱).

ویژگی‌های ممتاز اخلاقی

مرحوم دکتر حبیبی، فردی معتقد، خداجوی، خداترس، مؤمن و متعهد به مبانی اسلام بودند. تقید زیادی به انجام صحیح و به موقع فرایض دینی داشتند و با قرآن مأنوس بودند. در برخی از اشعارشان، مضامین آیات کریمه را به نظم کشیده‌اند. به دعا و مناجات عشق می‌ورزیدند، خصوصاً مناجات شعبانیه را بسیار می‌خواندند و در وصیت‌نامه‌ی خود نیز بدان سفارش کرده‌اند. خوش‌رویی و سعه‌ی صدر ایشان

زبانزد بود. انضباط کاری و دقتشان در انجام کارها جالب توجه بود. هم‌چنین، در مصرف بیت‌المال، بسیار موشکافانه برخورد می‌کردند. انگیزه‌ی شدیدی برای خدمت داشتند و مدبرانه در این راه تلاش می‌کردند. به پرورش استعداد نیروهای تازه بسیار اهمیت می‌دادند. کم‌گوی و گزیده‌گوی بودند و طبع شعر و ذوق طنز نیز داشتند. به‌طور کلی، رفتار متین، عالمانه، علم‌دوستی و ویژگی‌های اخلاقی آقای دکتر حبیبی منجر می‌شد که افرادی که در رابطه‌ی کاری با او بودند، علاقه به ایجاد رابطه‌ای فراتر از رابطه‌ی کاری، یعنی رابطه‌ی دوستی و مراوده‌ی خصوصی با ایشان داشتند. این شخصیت گرانقدر، اساساً به علم و پژوهش عشق می‌ورزید. از بیانات خودشان است که: «من همواره شیفته‌ی مکان‌های درس و بحث بوده‌ام و این شیفتگی را در هر سن و سال و در همه اوضاع و احوال و در هر جا و مکان همراه خود برده‌ام و با خود نگه داشته‌ام» (۳). هم‌چنین، بسیار تواضع و فروتنی داشتند و همواره دیگران را برای توجه به علم و عالمان حقیقی ترغیب می‌کردند و معتقد بودند که ممکن است آدمی در برابر مردم و در اجتماع، مدعی علم و دانش فراوان باشد و خود را حلال همه‌ی مشکلات بداند و هیچ کس را از لحاظ علمی هم رتبه‌ی خویش نخواند، اما هنگامی که با خود خلوت می‌کند، با اندکی توجه اعتراف می‌کند که آنچه در جلوت می‌نمایاند، ادعاهایی واهی بیش نیستند و در واقع در بیرون نکته می‌فروشد اما در درون بر بساط خویش چیزی ندارد (۳).

شخصم به چشم عالمیان خوب منظر است
وز خبث باطنم سر خجالت فتاده پیش
طاووس را به نقش و نگاری که هست خلق
تحسین کنند و او خجل از پای زشت خویش^۱
ایشان، شخصیت پرکاری بودند و از کار و تلاش لذت

^۱ گلستان سعدی

لزوم جامع‌نگری در علوم

یکی از مسائلی که دکتر حبیبی در بسیاری از سخنرانی‌ها و نوشته‌های خویش بر آن تأکید داشت، توجه به همی جوانب در بررسی‌های علمی است. طبق عقیده‌ی ایشان، یک‌سونگری، آفتی است که دانشجو و دانش‌پژوه را از دقت در امور باز می‌دارد و وی را به بیراهه می‌کشاند. به عقیده‌ی او از زمانی که علم و عالم از حکمت جدا شدند و تخصص صرف، مسندنشین شد، انسان چندوجهی، دارای جسم و روح با ساحت‌های گوناگون به انسان تک‌ساحتی تحویل و خلاصه شد. به‌عنوان نمونه، در پزشکی، اکثر تشخیص‌ها بر اساس جسم‌نگری و یافته‌های آزمایشگاهی داده شد، بدون آن‌که توجهی به تحلیل‌های روان‌شناختی، اجتماعی و جامعه‌نگرانه شود (۲).

لزوم تطبیق بیرون و درون

یکی از اولویت‌های مدیران در حوزه‌های مختلف، ایجاد فضایی آرامش‌بخش، پویا و ثمربخش در محیط‌های پژوهشی، آموزشی و ارائه‌ی خدمات است. در این راستا، هماهنگ کردن درون و بیرون عوامل دست‌اندرکار از ضروریات شغلی به‌شمار می‌رود.

این بدان معناست که راه را برای شکوفاشدن استعدادها بگشاییم، یعنی به انگیزش فطرت، سپس مانع‌برداری و پایش آن بپردازیم. بدین ترتیب، حرکت‌های درون ذاتی آغاز خواهد شد که بعضاً هم تحول‌آفرین خواهند بود. به عقیده‌ی دکتر حبیبی، هر چه انطباق نظام بیرونی فرد با فطریات او بیش‌تر باشد، آرامش، صداقت و نهایتاً ثمردهی نیروها بیش‌تر خواهد بود و در این مسیر، محبت و احترام متقابل نیز بسیار حائز اهمیت است (۳).

قرارگیری در جامعه‌ی مورد پژوهش

ایشان معتقد است محقق ابتدا باید محیط مطالعه‌ی خود را به‌خوبی بشناسد و با آن نوعی وحدت و رفاقت برقرار کند، در عین حال، بی‌درنگ از آن فاصله بگیرد تا بتواند به تحلیل

می‌بردند و در همه‌ی زندگی مشغول کار، خواندن و نوشتن بودند. اصولاً مباحث و سخنرانی‌هایشان نشانگر آن بود که کار عمیقی برای آن یک ساعت انجام داده‌اند. ایده‌های زیادی در شاخه‌های گوناگون علمی داشتند و برای تحقق آن برنامه‌ریزی و تلاش می‌کردند. اگرچه آقای دکتر حبیبی در برخی زمینه‌ها مانند جامعه‌شناسی، حقوق، تاریخ، ادب و فرهنگ، عالمی دقیق و صاحب‌نظر بودند، لکن اصولاً نگاه عالمانه و جامعی نیز به علم و فرهنگ داشتند و نظرات عمیقی در جوانب گوناگون ارائه می‌دادند و از آن‌جا که یک بُعدگرایی، اصولاً آفتی بزرگ برای بسیاری از فرهیختگان عصر ماست، لذا توجه به این جامع‌نگری، ضروری به‌نظر می‌رسد.

این مرد بزرگ، بسیار به یاد مرگ بود و البته خانواده‌ی ایشان نقل می‌کنند که اختصاص به اواخر حیات هم نداشته است، گرچه در آن هنگام تشدید شده بود. هم‌چنین، یکی از نکات بارز در وجود ایشان، توجه به معنویت‌گرایی بود. در حقیقت، زندگی او با توجه به معنویت، رنگ و بوی خاصی داشت. به عقیده‌ی آقای دکتر حبیبی، چنان‌چه توجه به معنویت در ذات انسان کم‌رنگ شود، «انسان ماشینی» به جای انسان صاحب عشق می‌نشیند (۲). بر اساس دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، معنویت‌گرایی، قسمت مهمی از سلامت است و با عنوان «سلامت معنوی»، به طور گسترده‌ای در مجامع علمی مطرح است. به این ترتیب، برای گروه پزشکی، دانستن منش و روش چنین عالمانی می‌تواند این آموزش را بدهد که در حیطه‌ی پزشکی و مراقبت‌های سلامت، نباید صرفاً به جسم انسان توجه کرد، بلکه ابعاد روانی، اجتماعی و معنوی نیز باید در نظر گرفته شوند.

آموزه‌هایی از زندگی، نگاه و نقش آقای دکتر حبیبی

در این‌جا به برخی از عقاید و فعالیت‌های مرحوم آقای دکتر حبیبی اشاره می‌شود که می‌تواند برای محققان حوزه‌های مختلف علوم آموزنده باشد:

بپردازد (۳). در علوم انسانی نیز که محقق، خود به‌علت انسان بودنش، جزیی از موضوع مطالعه است، باید در همان حال آن‌چنان دامن خود را فرا چیند که بتواند با بی‌طرفی تمام - یا لاقلاً، بی‌طرفی اندک- به بررسی بپردازد (۳).

توجه به زیبادوستی

آقای دکتر حسن حبیبی، پژوهش علمی را نوعی زیباآفرینی می‌داند و می‌گوید: تفکر علمی، با احساس، عاطفه و روحیه‌ی زیبادوستی، بی‌رابطه نیست. دانشمند، آگاهانه یا ناآگاهانه در پی هماهنگی است و پیش از آن‌که این هماهنگی را در کار پژوهش و جست‌وجوی خود احساس کند، دست از تحقیق بر نمی‌دارد و کار خود را تمام و کامل نمی‌پندارد (۴).

ترجمه‌ی علم، ابزار و نه هدف

ایشان ترجمه‌ی متون سایر مکاتب و ممالک را امری مثبت می‌دانند، به شرط حل نشدن در فرهنگ غیر و تا حد ممکن حل کردن مبانی و اصول آن در خود و پی افکندن ساختاری نو و مناسب با ایمان‌ها، آرمان‌ها و اعتقادات (۳). از نگاه این دانشمند، انتقال علم از یک دنیا به دنیای دیگر لزوماً به‌صورت ترجمه نیست، بلکه در انتقال فکر و اندیشه، محیط اجتماعی، فرهنگی و علمی، نوع دریافت‌ها و اطلاعات جامعه‌ی علمی که پذیرنده‌ی آثار است نیز می‌تواند سهم و اثری اساسی داشته باشند، به گونه‌ای که متن جدید، متنی تازه با پیام‌ها و نظرهای بدیع و نوآورانه جلوه کند و راه‌های تازه‌ای را بگشاید (۳).

توجه به منابع غنی فرهنگ ایرانی اسلامی

آقای دکتر حبیبی، اسلام را سلامت‌بخش‌ترین و مؤثرترین درمان برای دردها می‌داند و معتقد است که اسلام، روشن‌ترین، اساسی‌ترین و قاطعانه‌ترین پاسخ برای چالش‌های عصر ماست (۵). در اسلام گرچه تفکر علمی از ظاهر اشیا و پدیده‌ها آغاز می‌شود، ولی تنها ابزاری است برای نفوذ در عالم باطن مرتبط و متناظر با آن (۵). در چنین دیدگاهی، قوانینی متعالیه بر نظام طبیعت حاکم است که شناخت آن

شدنی است و چه‌بسا منجر به تولید علم بومی خواهد شد (۵). در مجموع می‌توان گفت که ایشان به توسعه‌ی پایدار علمی و فنی، مطابق با فرهنگ ایرانی اسلامی تأکید فراوان داشته‌اند و برای نیل به آن نیز راه‌های عملی خوبی ارائه داده‌اند (۶). آقای دکتر حبیبی، تلاش‌های گسترده‌ای برای بسط فرهنگ اسلامی ایرانی داشتند و در مواردی که ممکن بود به‌دست فراموشی سپرده شود یا مورد انکار قرار گیرد، این تلاش‌ها را بارزتر می‌کردند. به‌عنوان نمونه، ایشان دغدغه‌ی حفظ نام خلیج فارس را داشت و در این راستا، نظارت بر تحقیق و تدوین کتاب «گزیده‌ی مقالات و اخبار روزنامه‌های مهم درباره‌ی خلیج فارس (۱۳۲۰-۱۳۵۳)» را در بنیاد ایران‌شناسی عهده‌دار شد. این کتاب، پژوهشی گسترده، جامع و روشمند درباره‌ی خلیج فارس است. هم‌چنین، ایشان کارگروه‌های تخصصی با موضوع خلیج فارس را برپا کرد و برای گردآوری مجموعه مدارک و اسناد خلیج فارس تلاش‌های زیادی کرد که این مجموعه در بنیاد ایران‌شناسی قابل دسترسی است.

آقای دکتر حبیبی، بر تعلیم و تربیت اسلامی نیز بسیار تأکید داشتند. به عقیده‌ی این شخصیت ارزشمند، ما در تعلیم و تربیت جوانان خود هنوز آن‌سان که باید کامیاب نیستیم چرا که به شیوه‌ای از تعلیم و تربیت که در منابع غنی ایرانی اسلامی به‌وفور موجود است، روی نیاورده‌ایم و هم‌چنان به روش‌های آموزشی غربی یا الهام‌گرفته از آن چشم دوخته‌ایم (۳). ایشان، کتاب «منیة المرید فی آداب المفید و المستفید»، نوشته‌ی عالم و فقیه بزرگ شیعی شهید ثانی را از جهات گوناگون، بی‌نظیر در تعلیم و تربیت می‌داند، لذا از نظر او این کتاب، شایسته‌ی دقت نظر و تحلیل جدی و فنی است (۳). ایشان به فرازهایی از این کتاب اشاره می‌کند:

«معلم باید نخست خود مسأله را به‌صورت واضح و روشن طرح کند، سپس با ذکر مثال‌ها و نمونه‌ها- البته در صورت نیاز به آن‌ها- به توضیح و تشریح آن مسأله بپردازد.

مرحوم دکتر حبیبی، توجه و تقید آقای دکتر قریب با وجود مشغله‌های زیاد علمی، به انجام به موقع فرایض دینی و قرائت قرآن و نیز ادعیه بسیار قابل تقدیر است. از توصیه‌های دکتر محمد قریب به شاگردانش توجه دائمی به قرآن بوده است و آن را موجب توفیقات بیش‌تر در ارائه‌ی خدمات پزشکی می‌دانستند (۲). هم‌چنین، ایشان از تجمل‌گرایی دوری می‌کردند و برای رسیدگی به افراد بی‌بضاعت همت و دقتی عالی داشتند (۲).

طرحی نو در اندازیم!

مرحوم دکتر حبیبی، از خمودی در علوم گریزان بودند. نظریات بدیع و نیز راه‌کارهایی که برای نو اندیشی ارائه می‌دادند، شاهدهی بر این مدعاست. ایشان همواره به تولید علم ملی تاکید داشتند و می‌گفتند: دانشگاه‌های ما در تعلیم دانش روز، پیشرفت خوبی داشته‌اند اما در تولید علم، یعنی کشف، ابتکار، نوآوری و یافتن قوانین علمی، توفیق چندانی نداشته‌اند (۲). آقای دکتر حبیبی معتقد بودند با تلفیقی از علوم گذشتگان با مباحث علم روز، بی‌آن‌که کوششی بی‌جا برای هم‌خوانی مصنوعی آن‌ها با یکدیگر بشود، می‌توان به نکته‌های نو و بدیعی دست پیدا کرد. ره‌آورد این نگرش حتی می‌تواند نقطه‌ی مقابل دریافت‌های دانشمندان مشهور این علوم باشد؛ یا میدان بحث خاصی را گسترده‌تر سازد؛ یا طرح مسأله را به گونه‌ای دیگر مطرح کند. در عین‌حال، ممکن است به مشابهت‌هایی نیز برخورد شود که می‌تواند بیانگر توجه جهانی دانشمندان به یک مسأله یا نمایش برتری اندیشمندان خودی در این زمینه‌ها باشد (۳). ایشان می‌گفتند: باید در جهان علم، سهمی ولو اندک در تولید علم و به کرسی نشاندن جزئی از فناوری را به خود اختصاص داد تا امکان حضور در گفت‌وگوهای به واقع علمی و نه همایش‌ها و هم‌اندیشی‌های تشریفاتی فراهم آید (۲). به اعتقاد او، باید به‌دنبال برگزاری کرسی‌های هم‌اندیشی بود که به‌صورت هفتگی، یا دو هفته یک‌بار یا حداکثر ماهیانه در زمینه‌ی تازه‌های علم در رشته‌های

دلایل و مآخذ موافق و مخالف مسأله را یاد کند و برای اثبات جنبه‌ی موافق و درست مسأله، ادله‌ی لازم را بازگو کند تا جنبه‌ی موافق آن کاملاً تأیید و تقویت شود و دلیل ضعف جنبه‌ی مخالف مسأله را ذکر کند. معلم باید جنبه‌های اخلاقی ردّ و ایرادات خود را در نظر بگیرد و اگر رأی و نظر کسی را تضعیف می‌کند باید به شاگرد بفهماند که منظور او صرفاً بیان حق و واقعیت است و چون بیان واقعیت ناگزیر، به تضعیف رأی فلان دانشمند متوقف است از این جهت آن را بازگو کرده است. هم‌چنین، شاگرد باید اوقات و فرصت‌های شبانه‌روزی خود را نسبت به تحصیلات و فرآورده‌های علمی، تقسیم‌بندی و طرح‌ریزی کند، زیرا این کار موجب برکت و ازدیاد عمر علمی و فرصت‌های تحصیلی دانشجو می‌شود. بهترین اوقات و فرصت‌ها برای حفظ کردن، سحرها و ساعات پس از نیمه شب و عالی‌ترین فرصت برای بحث و گفت‌وگوهای علمی، ساعات بامدادان و مطلوب‌ترین موقع برای کتابت و نگارش، اوقات نیم‌روز و سودمندترین لحظه‌ها برای بررسی و مطالعه، شبانگاهان و بازپس مانده ساعات روز می‌باشد. « (۳).

استاد، عالم و مربی باشد نه معلم!

ایشان به اهمیت تربیت، هم‌زمان با تعلیم تأکید داشتند و در مورد یکی از نواقص سیستم‌های فعلی آموزش می‌گفتند: «در کنار معلمان عالی و برجسته، تعداد عالمان و معلمانِ مربی کم بوده و هست. این امر اسائه ادبی به معلمان خوب نیست، بلکه ادای احترام به معلمانِ مربی است (۲)». در واقع به نظر این اخلاق‌مند، اساتیدی به موفقیت کامل نائل می‌شوند که علاوه بر تعلیم، به تربیت دانشجو نیز همت گمارند و اخلاق، شیوه‌ی زندگی و طرز طبابت را هم‌زمان در ذهن و وجود دانشجو تعالی بخشند (۲).

ایشان، دکتر محمد قریب را به‌عنوان اسوه‌ای نیکو و استادی جامع‌نگر و مربی توانمند می‌دانند و در کتاب خود نمونه‌هایی از رفتار و گفتار او را آورده‌اند (۲). به عقیده‌ی

بستری آقای دکتر حبیبی نمودم. در آن هنگام، دوره‌ی بیماری شدید آقای دکتر شروع شده بود که حتی پزشکان در برخی مواقع، ناامیدانه اقدامات درمانی را ادامه می‌دادند، چراکه بعضی از این اقدامات، از نظر علم پزشکی و برخی از اساتید همکار گروه پزشکی، درمان بیهوده تلقی می‌شد. لذا برخی از صاحب‌نظران حرفه‌ی پزشکی، توصیه به قطع درمان و خدمات می‌کردند. البته لطف الهی به مدد آمده بود و تلاش همکاران محترم گروه پزشکی و مهم‌تر از آن، خدمات و دعا‌های دوستانشان، ایشان را از شرایط بسیار سخت که حتی منجر به انجام^۱ CPR در چندین نوبت شد، نجات داد و تا حدودی سلامت خود را بازیافتند. برخی از نکات در این برهه از زندگی آقای دکتر حبیبی وجود دارد که برای محققان، خصوصاً گروه پزشکی آموزنده است. به‌عنوان نمونه، به‌نظر می‌رسد در علم پزشکی نمی‌توان به‌سادگی تصمیم به قطع درمان یا عدم احیا گرفت. این بحث یکی از پرچالش‌ترین مباحث اخلاق پزشکی در حوزه‌ی مراقبت‌های پایان حیات است که به‌صورت چگونگی برخورد با اتانازی غیرفعال مطرح می‌شود و طیفی از نظرات متفاوت در مورد آن وجود دارد: برخی اجرای چنین دستوری را تنها وابسته به‌نظر بیمار می‌دانند و با ارائه‌ی رضایت‌نامه‌ای^۲ به او هنگام بستری شدن در بیمارستان، از تمایل یا عدم تمایل او برای انجام عملیات احیا توسط تیم پزشکی در صورت لزوم، جویا می‌شوند (۷). در مقابل، اکثر دیدگاه‌های دینی بر ضرورت حفظ حیات و تقدس آن تأکید دارند (۸). از این منظر، حتی با وجود رضایت بیمار، تصمیم به قطع درمان بسیار محل تأمل است. گرچه به عقیده‌ی برخی نیز عدم ادامه‌ی اقدامات درمانی پرهزینه و کم‌اثر به‌دلیل محدودیت منابع، موجه است و ناقض حرمت حیات نیز نیست (۹). به‌هر حال، مرحوم آقای دکتر حبیبی از زمانی که بسیاری از صاحب‌نظران حوزه‌ی پزشکی بر عدم

گوناگون برگزار شوند و از تشریفات تبلیغاتی چون کیف و خودنوئیس و خودکار به دور باشند (۲). اجرایی شدن این مهم منجر به آن می‌شود که دانشگاه به‌صورت شبانه‌روزی فعال شود و اساتید و دانشجویان از بحث و گفت‌وگوهای جدی، بهره‌ی فراوان و واقعی برند (۲). آقای دکتر حبیبی، توجه به چهارعامل علم، آموزش، تحقیق و فناوری را در تولید علم ملی ضروری می‌دانند، لکن به عقیده‌ی ایشان، در این میان بیش‌ترین توجه را باید معطوف به تحقیقات ساخت و آب را از سرچشمه صاف کرد و موانع را از سر راه تحقیق برداشت (۲). البته باید توجه داشت که به اعتقاد دکتر حبیبی، تنها جستجوهای را می‌توان تحقیق نامید که حاصلش آشکارا در کار تولید و ایجاد علم مؤثر باشد (۳). هم‌چنین، به نظر ایشان تحقیقات بنیادی، باید منشأ و مبنای تولید علم تلقی شوند (۲). به‌علاوه، اخلاق علمی باید حاکم بر جوامع علمی باشد که به بیان ایشان عبارت است از: بی‌غرضی، اخلاص، ایثار و فراموش‌کردن خود (۴).

سال‌های پایانی عمر

ده‌سال آخر عمر با برکتشان به نوعی بیمار اینجانب (نویسنده‌ی اول) بودند که ابتدا ایشان را سرپایی ویزیت می‌کردم. البته ارتباط بیش‌تر اینجانب (نویسنده‌ی اول) با مرحوم آقای دکتر حبیبی عمدتاً در پنج‌سال آخر عمر شریفشان بود. در زمانی‌که ریاست دانشگاه علوم پزشکی تهران را عهده‌دار بودم، در روز شهادت حضرت علی ع، به دلایلی در دفتر کارم در دانشگاه علوم پزشکی تهران حضور داشتم که همسر محترمه‌ی ایشان - سرکار خانم رهیده - طی تماس تلفنی، وخامت وضعیت دکتر حبیبی را به من اطلاع دادند. شایان ذکر است که خانم رهیده نیز از شخصیت‌های ارزشمند اجرایی کشورند و به‌دلیل تلاش ایشان در حوزه‌ی تأمین دارو و تجهیزات پزشکی، از سه دهه‌ی قبل تاکنون گاه‌گاهی با ایشان که شخصیتی پرتلاش و متعهد هستند ارتباط کاری داشته‌ام. به‌هر حال با تماس ایشان، توصیه به

^۱ Cardiopulmonary resuscitation

^۲ The Do Not Resuscitate Consent

گذرانده‌اند (۱۳). در مجموع با بررسی آیات قرآن و کتب تفسیری نیز می‌توان گفت، تجربه‌ی نزدیک مرگ، پدیده‌ای است که در قرآن کریم به جامعیت از آن سخن گفته شده^۵ و با کنکاش در عباراتی که گویای مراحل پیچیده‌ی مرگ است، قابل دریافت خواهد بود. به‌علاوه، در مورد NDE در رشته‌های فراروان‌شناسی^۶، روان‌شناسی^۷، روان‌پزشکی^۸ و طب بیمارستانی^۹ نیز مطالعاتی انجام شده است (۱۴).

به‌هر حال، برای هر پزشکی بسیار خوشحال کننده است که بیماری پس از انجام عملیات احیا، بهبود یابد و حتی در همان بیمارستان، نوشتن و تألیفات علمی خود را از سر بگیرد. به‌طوری‌که ایشان، ده‌ها کتاب و مقاله را پس از گذراندن آن شرایط بحرانی به سرانجام رساند. هم‌چنین، از آن‌جا که مسائل مرتبط با فرهنگ کشور، به‌طور کلی مورد توجهشان بود، در همان زمان بستری در بیمارستان نیز با علاقه‌مندی شدید، مسائل خرد و کلان این مقوله را دنبال می‌کردند و در مورد آن‌ها فکر و کارهای نیمه تمام را پی‌گیری می‌کردند و زمانی که یکی از این کارها به نتیجه رسیده بود یا زیر چاپ رفته بود یا از چاپ خارج شده بود، بسیار شاداب می‌شدند و حال جسمانی ایشان نیز بهبود بیش‌تری نشان می‌داد. در مجموع، شخصیت پرتلاش و شیفته‌ی علم ایشان، در بستر بیماری نیز بی‌قرارِ فراگیری، آموزش و پژوهش بود. حتی در اواخر می‌فرمودند: «کارهایی را که دوست داشتم انجام شود و مانده بود انجام دادم». ادب و متانت این عالم اخلاقمند، در هنگامه‌ی درد و بیماری، مثال‌زدنی بود، به‌طوری‌که در تصمیم‌گیری‌های گروه پزشکان، مشارکت می‌کردند، ولی

^۵ به‌عنوان نمونه می‌توانید برای مطالعه‌ی بیش‌تر به تفسیر المیزان در ذیل آیات ۱۹ سوره‌ی مبارکه‌ی ق، ۲۰ سوره‌ی مبارکه‌ی محمد و ۳ سوره‌ی مبارکه‌ی واقعه مراجعه کنید.

^۶ Parapsychology

^۷ Psychology

^۸ Psychiatry

^۹ Hospital medicine

ادامه‌ی درمان ایشان تأکید می‌کردند، چند سال عمر ثمربخش داشتند. این آموزش باید دقت ما را در تصمیم‌گیری در این حوزه افزون کند.

نکته‌ی آموزنده‌ی دیگری در مراحل بیماری آقای دکتر حبیبی وجود دارد و آن توصیف تجربه‌ای است که در حین انجام CPR برای ایشان اتفاق افتاده بود که شاید بتوان آن را ادراکی از حیات پس از مرگ دانست. تجربه‌ی زیبایی که بیان کردند چنین بود که ابتدا ایشان را از یک دالان سخت عبور دادند، ولی پس از آن با فضایی باز و زیبا مواجه شدند. البته توجه به این مطلب ضروری است که آقای دکتر حبیبی، فردی عالم بودند و اصولاً ادعاهای خیال‌بافانه نداشتند. جالب توجه است که جست‌وجوی عبارت Near-Death Experiences (NDE) (تجربیات در آستانه‌ی مرگ)، نشان می‌دهد که تجربه‌هایی از این دست، در مجلات علمی نیز به‌وفور یافت می‌شوند و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به‌عنوان نمونه، اولین کنفرانس بین‌المللی پزشکی با موضوع یاد شده^۱ در سال ۲۰۰۶ میلادی برگزار شده است و کنفرانس NDE در اکتبر ۲۰۱۳ در Oslo برپا شد.

NDE را تجربه‌ای از سطح غیر معمول آگاهی^۲ دانسته‌اند که پیامد تغییرات عصب - شناختی^۳ است و در آستانه‌ی مرگ یا زمانی که وقوع مرگ، بسیار محتمل است، رخ می‌دهد (۱۰). چنین گفته شده که در این حالت، احساس روحانیت و معنویت فزاینده‌ای ایجاد می‌شود که توجه به خود برتر را به همراه دارد و هر قدر این تجربه عمیق‌تر بوده، احساس معنویت افزونی نیز ایجاد کرده است (۱۲، ۱۱). هم‌چنین، مطابق مطالعات، افرادی که چنین تجربه‌ای داشته‌اند، در برابر کسانی که آن را نداشته‌اند، پریشانی روانی^۴ کم‌تری را

^۱ First International Medical Conference on the NDE

^۲ Consciousness

^۳ Neuropsychological

^۴ Psychological distress

جمع بندی

برای هر جامعه‌ای مناسب است که بزرگان علم، دین، ادب و خدمت‌گزاران صادق به وطن خود را بشناسند. این امر شاید برای آن بزرگان نفعی نداشته باشد، جز دعای خیری که بدرقه‌ی راه و موجب شادی روحشان شود، اما جان‌مایه‌ای است برای قوام یافتن و استوار ساختن هویت ملی و نیز نشان دادن و تثبیت راه و رسمی که آیندگان هر قوم باید در آن مسیر گام بردارند (۳). در این راستا، این مختصر با نگاهی اجمالی به زندگی‌نامه و آثار مرحوم جناب آقای دکتر حسن حبیبی، برخی نکات بارز اخلاقی ایشان را مطرح کرد. در این میان، اشاره‌هایی هم به برخی مباحث مطرح در اخلاق پزشکی شد؛ از جمله سلامت معنوی، دستور برای عدم احیا و نیز تجربه‌ی نزدیک مرگ. به‌علاوه، تلاش شد تا با بیان شمه‌ای از عقاید ایشان در مورد علم، علم و عالم‌پروری، چراغی فروزان در این مسیر افروخته شود. یادش گرامی و نامش ماندگار.

تقدیر و تشکر

از همکاری و راهنمایی سرکار خانم دکتر آزاده حبیبی، فرزند مکرمه آقای دکتر حبیبی در تهیه‌ی برخی از متون و نقل خاطراتی ارزشمند سپاس‌گزاری می‌شود. هم‌چنین، نهایت سپاس را از سرکار خانم دکتر فرزانه زاهدی برای مرور مقاله و ارائه‌ی نظرانی راهگشا داریم.

به‌وضوح، به آن‌ها و تصمیماتشان احترام می‌گذاشتند. صبر، تسلیم و توکل در حین تحمل بیماری بسیار سخت و طولانی را نیز باید به مزایای شخصیتی وی افزود^۱. ایشان معتقد بودند که بیماری، وسیله‌ای است که خداوند، حقایقی را به انسان بچشاند، لذا اهل شکوه و ناله نبودند. حتی در شدت بیماری از این‌که دیگران برای کمک به ایشان به زحمت بیفتند، بسیار ناراحت بودند و حتی درخواست لیوانی آب از دیگران، برایشان رنج‌آور بود.

سرانجام آقای دکتر حبیبی در بهمن ماه ۱۳۹۱، پس از عمری تلاش و عملِ عالمانه و خالصانه به دیار باقی شتافتند. روی سنگ قبری که مزین به شعری از سروده‌های ایشان است و مدت‌ها قبل، شخصاً آن را سفارش داده بودند، چنین آمده‌است:

دوست، ما را خواند و گامی پیش بُرد
دست ما بگرفت و نزد خویش بُرد...
بسسته است اینک به امید قبول
خویشتن بر کشتی آل رسول (ص)

^۱ قسمتی از پیام تسلیت مقام معظم رهبری در پی درگذشت جناب آقای دکتر حبیبی

- 9- Parsapour A, Hemmati Moghaddam A, Parsapour M, Larijani B. Euthanasia: ethical explanation and analysis. *Iran J Med Ethics Hist Med* 2008; 1(4): 1-12. [In Persian]
- 10- Auxéméry Y. The "near-death experience" during comas: psychotraumatic suffering or the taming of reality? *Med Hypotheses* 2013; 81(3): 379-82.
- 11- Khanna S, Greyson B. Near-Death Experiences and Spiritual Well-Being. *J Relig Health* 2013; 30.
- 12- Charland-Verville V, Jourdan JP, Thonnard M, et al. Near-death experiences in non-life-threatening events and coma of different etiologies. *Front Hum Neurosci* 2014; 8: 203.
- 13- Greyson B. Near-death experiences in a psychiatric outpatient clinic population. *Psychiatr Serv* 2003; 54(12): 1649-51.
- 14- Anonymous. Near-death experiences. http://en.wikipedia.org/wiki/Near_death_experience. (accessed in 2014)

منابع

- 1- Habibi H. A Word of Thousands. Tehran: Ettela'at Press; 1999, Vol 1. [In Persian]
- 2- Habibi H. A Word of Thousands. Tehran: Ettela'at Press; 1999, Vol 2. [In Persian]
- 3- Habibi H. The Story of an Elderly Student. Tehran: Tehran University Press; 1998. [In Persian]
- 4- Anonymous. A group of authors. [Sokhan Eshgh]. Tehran: Tehran University Press; 1998. [In Persian]
- 5- Habibi H. Translation of Islam and the Crisis of Our Time. Tehran: Ettela'at Press; 1993, Vol 2. [In Persian]
- 6- Habibi H. One Step Beyond, in Some Fields of The National Scientific Policy. Tehran: Ettela'at Press; 2007. [In Persian]
- 7- Kao CY, Cheng SY, Chiu TY, Chen CY, Hu WY. Does the awareness of terminal illness influence cancer patients' psycho-spiritual state, and their DNR signing: a survey in Taiwan. *Jpn J Clin Oncol* 2013; 43(9): 910-6.
- 8- Madani M. Ethical considerations of futile care. *Iran J Med Ethics Hist Med* 2013; 6(2): 31-42. [In Persian]

Commitment of scholars and cultural characters to ethical values: A brief review of ideological and ethical merits of Dr. Hasan Habibi

Bagher Larijani^{1,2}, Samaneh Tirgar^{*2}

¹Professor, Medical Ethics and History of Medicine Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;

²Researcher, Endocrinology and Metabolism Research Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

A thorough understanding of the characters, attitudes, and lifestyles of renowned scholars is of paramount importance for any nation. Dr. Hasan Habibi (1936-2012) was a prominent figure in science, theology, literature, and culture of Iran. The late Dr. Habibi was a pious and patriotic politician who was fully committed to safeguarding the pillars of the Islamic Republic of Iran and the Islamic Revolution. In this article, we aim to review some of his works and explore the memories of his family and acquaintances in the hope to shed some light on his manners, viewpoints, and lifestyle. Moreover, the first author's personal remembrances of the late Dr. Habibi and his moral virtues are presented here, particularly with focus on his final years during which he was bedridden for a long period. Moreover, we aim to illuminate his ideas in terms of promoting science, supporting scholars, and building the infrastructure needed to expand the boundaries of science. We hope that this article will provide a model both for bedridden patients in Iran and the physicians and researchers who deal with them on a daily basis.

Keywords: Hasan Habibi, medical ethics, renowned scholars, prominent scientists, Iran

*Email: s-tirgar@farabi.tums.ac.ir